

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی الهیات گرایش علوم
قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه

نقش دانش های حدیثی در فهم درست روایات طبّی

استاد راهنما :

دکتر مهرداد صفرزاده

نگارش :

محمد عزیزی



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی الهیات گرایش علوم

قرآن و حدیث

نام دانشجو :

محمد عزیز

تحت عنوان

نقش دانش های حدیثی در فهم درست روایات طبّی

در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ی بسیار خوب به تصویب نهایی رسید .

۱- استاد راهنما ، دکتر مهرداد صفرزاده با مرتبه ی علمی استادیار امضاء

۲- استاد داور داخل گروه ، دکتر سید عادل نادر علی با مرتبه ی علمی استادیار امضاء

۳- استاد داور خارج از گروه ، دکتر جمال فرزند وحی با مرتبه ی علمی استادیار امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات ، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است .

تقدیم به

پدر، مادر و همسرم که عاشقانه کوشیدند تا مسیر تحصیل را با موفقیت طی کنم.

و

همه معلمان و اساتید ارجمندم که به حق، مرا مومن زحمت بی دریغ خویش گردانیدند.

تقدیر و تشکر

قبل از هر چیز ، نگارنده این سطور بر خود لازم می داند که مراتب تشکر و سپاس خویش را تقدیم بدارد ،
به محضر استاد راهنما ، **آقای دکتر مهرداد صفرزاده** ، که حقیقتاً در جهت هدایت و راهنمایی اینجانب
متحمل زحمات فراوانی شده و با صبر و حوصله فراوان و برخوردی مشفقانه و پدرانانه ، وقت شریف خود را در
اختیار اینجانب قرار دادند و این کمترین از رو شنگری های ارزشمند ، مستمر و بی دریغ ایشان بهره مند شدم و
همچنین وظیفه خود می دانم که از اساتید ارجمند مقطع کارشناسی ارشد ، آقایان :دکتر سید عادل نادر علی،
دکتر اسد الله آژیر و دکتر وحید سبزیان پور که در طول این مدّت از دانش این عزیزان بهره مند گردیدم؛ کمال
تشکر و قدر دانی را بنمایم .

چکیده

پس از قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم السّلام) اساسی ترین منبع تبیین معارف الهی و دینی است و مجموعه‌های مدوّن حدیثی که اکنون به دست ما رسیده است به دلایل مختلف از گزند حوادث در امان نبوده و گاه با مشکلاتی از قبیل تحریف، تصحیف و حتی جعل و وضع مواجه بوده اند از این رو می‌طلبند که جهت بهره برداری کامل از این روایات، ابتدا به تحلیل و تفسیر آنها توسط دانش‌های حدیثی بپردازیم؛ زیرا نقد و بررسی روایات همواره مورد پذیرش دانشمندان اسلامی بوده است اما با این وجود درباره‌ی روایات طبّی و بحث و بررسی آنها از دیدگاه علوم حدیث، کتاب مستقلی به رشته تحریر در نیامده است تا معیاری برای پذیرش صحیح از سقیم آنها باشد. بدین خاطر این پایان‌نامه به بحث و بررسی درباره‌ی روایات طبّی از منظر دو علم روایه الحدیث و درایه الحدیث پرداخته تا آشکار شود که بکارگیری هر روایت طبّی جایز نمی‌باشد. چرا که پذیرش یک روایت طبّی بدون بهره‌گیری از دانش‌های حدیثی می‌تواند نتایج بسیار ناخوشایند و حتی حوادث ناگواری را بدنبال داشته باشد.

هدف این پایان‌نامه ارائه‌ی نقش دانش‌های حدیثی در فهم درست روایات طبّی با استفاده از مثال‌هایی است که از مجموعه‌های حدیثی شیعه و سنی و نیز کتب طب اسلامی گرفته شده است تا علاقه‌مندان به نشر و تولید این گونه آثار متوجّه اهمیت و دقّت موضوع گشته و با حساسیت بیشتری به پژوهش و تحقیق در بیانات طبّی معصومین (علیهم السّلام) بپردازند، نویسنده امیدوار است پس از تلاش‌های بسیاری که با همکاری اساتید گروه الهیات و پژوهشگران این عرصه انجام یافته است مجموعه‌ای را فراهم آورده باشد که هم مرضی ارواح طیبه‌ی معصومین (علیهم السّلام) باشد و هم مورد استفاده‌ی همگان قرار گیرد - ان شاء الله -.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اوّل: تعاریف و کلیّات
۲	بخش اوّل: دانش های حدیث
۳ مقدمه
۴ ۱-۱-۱- روش تحقیق
۴ ۱-۱-۲- تاریخچه تحقیق
۵ ۱-۱-۳- اهداف پایان نامه
۶ ۱-۱-۴- معنای حدیث
۸ ۱-۱-۵- متن حدیث
۸ ۱-۱-۶- تعریف دانش های حدیثی و بخش های آن
۹ ۱-۱-۷- ضرورت فقه الحدیث
۱۱ ۱-۱-۸- نتایج کاربرد فقه الحدیث
۱۲ ۱-۱-۹- نقش دانش های حدیثی در فهم درست روایات طبی
۱۳	بخش دوّم: طب
۱۴ ۱-۲-۱- معنی طب ، موضوع ، مبدأ و اهمّیت آن
۱۶ ۱-۲-۲- تاریخچه ی نگارش روایات طبی
۱۹ ۱-۲-۳- رابطه ی اسلام و طب
۲۰ ۱-۲-۴- دین و حرفه ی پزشکی
۲۱ ۱-۲-۵- اهل بیت و دانش پزشکی
۲۴ ۱-۲-۶- ویژگی های نظام بهداشتی اسلام
۲۶ ۱-۲-۷- ارزیابی احادیث طبی از دیدگاه دانشمندان
۲۶ ۱-۷-۲-۱- شیخ صدوق

۲۷ ۱-۲-۷-۲- شیخ مفید
۲۸ ۱-۲-۷-۳- ابن خلدون
۲۸ ۱-۲-۷-۴- ابن حجر
۲۹	فصل دوّم: نقش دانش های مربوط به سند حدیث در فهم روایات طبّی
۳۰	بخش اوّل: علم رجال
۳۱ مقدمه
۳۱ ۲-۱-۱- ضعف راوی
۳۵ ۲-۱-۲- کذب راوی
۳۸	بخش دوّم: علم مصطلح الحدیث
۳۹ مقدمه
۳۹ ۲-۲-۱- متروک
۴۲ ۲-۲-۲- مجهول
۴۴ ۲-۲-۳- مرسل
۴۶ ۲-۲-۴- معضل
۴۷ ۲-۲-۵- معلّل
۴۸ ۲-۲-۶- مفرد یا غریب الاسناد
۵۰ ۲-۲-۷- منقطع
۵۲ ۲-۲-۸- منکر
۵۴ ۲-۲-۹- موضوع
۵۷ ۲-۲-۱۰- موقوف
۶۰	فصل سوّم: نقش دانش های مربوط به متن حدیث در فهم روایات طبّی
۶۱ مقدمه
۶۲ ۳-۱- عدم مخالفت احادیث با قرآن و سنت قطعی

- ۷۱ ۲-۳- ابهام در نوع بیماری
- ۷۳ ۳-۳- احتمال حذف بخشی از حدیث
- ۷۴ ۴-۳- آگاهی از تصحیف و تحریف
- ۷۵ ۵-۳- تتبع ناقص
- ۷۷ ۶-۳- تحقیق برای یافتن مورد صدور حدیث
- ۸۰ ۷-۳- تحول زبان
- ۸۱ ۸-۳- توجه به آب و هوای صدور روایات طبی
- ۸۳ ۹-۳- توجه به آهنگ سخن
- ۸۴ ۱۰-۳- توجه به حداقل ها در امر بهداشت
- ۸۵ ۱۱-۳- توجه به زمان مصرف خوراک یا دارو
- ۸۶ ۱۲-۳- توجه به ضرب المثل ، کنایه و تشبیه در احادیث
- ۸۹ ۱۳-۳- توجه به مفهوم کلمه
- ۹۰ ۱۴-۳- توجه به مقطع زمانی صدور روایت
- ۹۳ ۱۵-۳- توجه به مواد تشکیل دهنده ی دارو یا خوراک
- ۹۵ ۱۶-۳- توجه به موافقت با تقیه
- ۹۷ ۱۷-۳- توجه به نتیجه بهداشت و پاکیزگی
- ۹۸ ۱۸-۳- حمل الفاظ ظاهر در وجوب بر استحباب
- ۹۹ ۱۹-۳- حمل نهی بر کراهت
- ۹۹ ۲۰-۳- خلط معنای فارسی و عربی
- ۱۰۰ ۲۱-۳- خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۱۰۲ ۲۲-۳- صدور حدیث جهت افرادی خاص
- ۱۰۴ ۲۳-۳- عام و خاص
- ۱۰۷ ۲۴-۳- عدم تناقض و اضطراب در متن حدیث

۱۰۸ ۲۵-۳- عدم مخالفت با فقه شیعه
۱۱۰ ۲۶-۳- عدم مخالفت حدیث با قطعیات علمی
۱۱۳ ۲۷-۳- عدم مخالفت حدیث با مقتضیات عقلی
۱۱۵ ۲۸-۳- عدم مخالفت حدیث با واقعیات تاریخی
۱۱۸ ۲۹-۳- فساد در معنای حدیث
۱۲۰ ۳۰-۳- مطلق و مقید
۱۲۲ ۳۱-۳- نقص در ترجمه ی حدیث
۱۲۵ نتیجه گیری و پیشنهاد
۱۲۷ فهرست منابع و مأخذ

فصل اوّل

تعاريف و كليّات

بخش اوّل

دانش های حدیث

مقدمه

یکی از عرصه‌هایی که به سنت در مفهوم عام و خاص آن اهتمام شده، طب و بهداشت تن و روان است و از آنجایی که بخشی از سعادت انسان به سلامت و بهداشت وی بستگی دارد، زیرا داشتن روانی سالم و مہیای پرستش خداوند نیازمند، بدنی سالم و پرنشاط است؛ از این رو در دین و آموزه‌های آن، از امور طبی سخن بسیار به میان آمده است، و احادیث فراوانی در رابطه با سلامت جسم و روان از کلی‌ترین تا جزئی‌ترین مسائل بهداشتی و درمانی وارد شده است. با توجه به اینکه روایاتی از این قبیل مورد توجه اکثر مردم واقع گشته و به روش‌های گوناگون در جامعه طرح می‌گردد و اگرچه اغلب این کار جهت استفاده و بهره‌برداری از دستورات این روایات است ولی ممکن است به خاطر عدم رعایت اموری چند باعث وهن شریعت و بدبینی بسیاری از افراد نسبت به دین مبین اسلام گردد.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً». گفتار حکیمان اگر درست باشد؛ درمان است. و اگر نادرست بود؛ دردِ تن و جان^۱. زیرا کسانی که صلاحیت این کار را ندارند در تطبیق و بیان مصداق خارجی احادیث اغلب دچار اشتباه گشته که این امر موجب خسارات جانی و مالی بسیاری برای افراد جامعه می‌گردد. و بدین خاطر است که اطباء و متخصصین با دید تردید و انکار به تمامی احادیث می‌نگرند. از این رو به نظر می‌رسد که بررسی موضوع مذکور و ارائه‌ی راهکارهای مناسب در این پایان‌نامه می‌تواند راه‌گشا باشد.

۱- نهج البلاغه، ترجمه‌ی جعفر شهیدی، ص ۴۱۰، حکمت ۲۶۵؛ مراد این است که دانا باید که نهایت سعی کند که در آنچه گوید. خطا و سهوی نکند. زیرا که باعتبار دانائی او مردم بر سخن او اعتماد کنند و بمضمون آن اعتقاد کنند، پس هرگاه راست و درست باشد دوائی خواهد بود از برای ایشان از مرض جهل و نادانی، و هرگاه خطا باشد و مردم بآن اعتقاد کنند بیمارئی خواهد بود روحانی از برای ایشان، زیرا که بیمارئی بدتر از جهل مرگب یعنی اعتقاد فاسد نباشد (خوانساری، آقا جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم، ج ۲، ص ۵۳۰).

۱-۱-۱ روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق کتابخانه ای بوده که پس از مطالعه‌ی کتاب های معتبری همچون کتب اربعه و صحاح سته و دیگر کتب مربوطه و فیش برداری مطالب مورد نظر، آنها را با استفاده از دانش های حدیثی (روایه الحدیث، درایه الحدیث و....) مورد بررسی قرار داده و در نهایت، یافته های تحقیق در فصل ها و بخش های مربوطه تنظیم و نگارش شد.

۲-۱-۱ تاریخچه‌ی تحقیق

نقش دانش های حدیثی در فهم درست روایات طبّی از مباحث و موضوعات جدید است و تا آنجا که اینجانب بررسی کرده ام در این رابطه کتاب یا مقاله ای مستقل نوشته نشده است. البته در موضوع روایات طبّی کارهای پراکنده صورت گرفته است (از جمله دانش نامه احادیث پزشکی اثر حجت الاسلام ری شهری، طب الرضا و طب الصادق (علیه السلام) از علامه مرتضی عسکری، پایان نامه دکتری با عنوان طب اسلامی از دکتر رضا منتظر، دایره المعارف طب اسلامی از آیت الله مصطفی نورانی. ولی همانطور که بیان شد این کتب در موضوع و محور طب اسلامی و روایات طبّی تدوین شده اند و فقط به جمع آوری، تنظیم و دسته بندی روایات طبّی پرداخته و در هیچ یک از آنها با استفاده از دانش های حدیثی به نقد و بررسی این دسته از روایات پرداخته نشده است.

اما از گذشتگان شیخ صدوق و شیخ مفید را می توان نام برد که در این خصوص افاداتی دارند اما بسیار محدود بوده و کافی به نظر نمی رسد.

از این رو اینجانب به بررسی این موضوع جدید پرداختم؛ شاید به خواست خداوند، گره ای از مشکلات احادیث طبّی که گاهی با علم و عقل متضاد به نظر می رسد باز کند، چراکه در اعتقاد ما هیچ گاه دین و

شریعت در تضاد با علم و عقل نبوده، بلکه همواره راهنما و مشاور عقل بوده تا او را به سر منزل مقصود برساند .

۱-۱-۳ اهداف پایان نامه

در این پایان نامه اهدافی دنبال می شود که اهم آنها به قرار زیر می باشد :

۱- آشکار ساختن میزان تأثیر برخی از دانش های حدیثی مانند فقه الحدیث و روایه الحدیث در فهم درست روایات طبّی.

۲- بیان روش های مناسب تبیین درست روایات طبّی با استفاده از دانش های حدیثی .

۳- ارائه ی راهکار جهت آشکار ساختن احادیث صحیح از غیر صحیح در مباحث طبّی .

۴- معرفی راه های رفع ابهام از بیانات طبّی معصومین (علیهم السّلام).

۵- آشنایی با روش بیان معصومین (علیهم السّلام) در موضوعات طبّی .

این پایان نامه در حوزه علوم اسلامی و پزشکی بسیار مفید خواهد بود ، و از آنجا که روایات طبّی بخش قابل توجهی از روایات ما را تشکیل می دهد؛ بررسی این گونه روایات از منظر دانش های حدیثی دارای فواید بسیاری خواهد بود از جمله :

۱- رابطه درست و منطقی بسیاری از احادیث طبّی از جهاتی که با یکدیگر تناقض دارند با استفاده از دانش های حدیثی از جمله فقه الحدیث آشکار خواهد شد .

۲- معلوم خواهد شد که بسیاری از احادیث طبّی همچون تجویز پزشکان امروزی ، مربوط به شخص یا اشخاص خاصی با شرایط ویژه ای بوده و برای عموم بدون دارا بودن آن شرایط کار برد ندارد .

۳- علت اینکه برخی به روایات طبّی عمل کرده ولی نتیجه ی مثبتی از آن نگرفته اند معلوم می شود .

در این تحقیق پس از مطالعه ی بسیاری از احادیث طبّی فریقین به بررسی آنها از دیدگاه برخی از دانش‌های حدیثی یعنی دو علم معروف روایه الحدیث (که خود به دانش رجال و مصطلح الحدیث تقسیم می‌شود) و درایه الحدیث (یا فقه الحدیث) پرداخته شده است . لازم است یاد آور شویم که در این تحقیق با تقسیمات فراوان این علوم که بعضی ها آنها را بالغ بر پنجاه نوع دانسته اند^۱ کاری نداشته و فقط در حدودی که گفته شد روایات طبّی بررسی شده است ، دیگر اینکه هرچند طب شامل دو عرصه ی بهداشت تن و روان است امّا به علت گستردگی موضوع ، احادیث مربوط به روان لحاظ نشده و به احادیث مربوط به بهداشت تن بسنده نمودیم.

۱-۱-۴ معنای حدیث

«حدیث در لغت به معنی خبر ، کلام و جدید است و جمع آن بر احادیث آمده و در اصطلاح ، کلامی است که از قول یا فعل یا تقریر معصوم حکایت کند و بر آن خبر ، سند ، روایت و اثر نیز اطلاق شده است . بعضی حدیث را به کلام معصوم اختصاص داده و خبر را به آنچه از غیر معصوم رسیده است اطلاق کرده اند و به همین جهت به مورّخینی که واقعه را با سند نقل می کرده اند در مقابل محدثین ، اخباری گویند»^۲.

خلیل بن احمد^۳ می نویسد : « حدیث به معنی جدید است و « احدوئه» به معنی حدیث است»^۴.

۱- ر.ک : حاکم نیشابوری ، محمّد بن عبدالله ، معرفه علوم الحدیث .

۲ - مدیر شانه چی ، کاظم ، درایه الحدیث ، ص ۸-۹ .

۳- خلیل بن احمد عمرو بن تمیم فراهیدی ازدی یحمدی ، ابو عبدالرحمن ، از بزرگان لغت و ادب و واضع علم عروض است . در بصره متولد شد و همان جا از دنیا رفت . وی استاد سیبویه در نحو بود و صاحب تألیفاتی است از جمله : العین ، جمله آلات العرب ، کتاب العروض و ... (زرکلی ، خیر الدّین ، الاعلام ، ج ۲ ، ص ۳۱۴).

۴ - فراهیدی ، خلیل بن احمد ، العین ، ذیل واژه ی «حدیث» .

محمد بن احمد فیومی^۱ می گوید: «حدث الشیء (حدوثاً) حَدَثَ بر وزن قَعَدَ به معنی تَجَدَّدَ ، چیزی که تازه شود و پدیدار گردد»^۲. صاحب قاموس معتقد است: «حدیث به معنی «خبر جدید» است»^۳. طریحی نجفی^۴ حدیث را مترادف «کلام» دانسته و گفته است که به سبب جدید بودنش در برابر «کلام» بدین نام نامیده شده است^۵.

سیوطی هم حدیث را چنین تعریف می کند: «اصل حدیث ضد قدیم است و برای خبر کم یا زیاد نیز به کار می رود. زیرا یکی پس از دیگری حادث می شود و ظهور پیدا می کند. وی در ادامه می نویسد: شیخ الاسلام ابن حجر در شرح صحیح بخاری می گوید: منظور از حدیث در عرف شرع عبارت است از آنچه به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده شود. و گویا مراد از این تعریف مقابله آن با قرآن است که قدیم است»^۶.

۱- احمد بن محمد بن علی فیومی مصری حموی، شیخی ضابط وادیبی کامل و مقری بود. فیومی از شاگردان ابوحیان بود. او در حماه ساکن گردید. و در جامع دهشت به منصب خطابه نامزد بوده است. وی کتاب مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر را تألیف کرد و در سال ۷۳۴ ق. به پایان رساند. ایشان در سال هفتصد و اندی وفات کرد (خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، ترجمه ی محمد باقر ساعدی خراسانی، ج ۲، ص ۷۲).

۲- فیومی، احمد بن محمد بن علی، مصباح المنیر، ذیل واژه ی «حدث».

۳- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ذیل واژه ی «حدیث».

۴- شیخ فخر الدین بن محمد بن علی بن احمد بن طریح رماحی مسلمی نجفی معروف به شیخ طریحی مؤلف کتاب مجمع البحرین، آثار او عبارتند از: مقتل و فخریه در فقه، منتخب در زیارات و خطب، علاوه بر آنها، در دیوان شعر و رسائل و نامه های چندی از او باقی مانده است. و این شخص دانشمندی محدث و لغوی و پارسائی از دنیا گذشته و پرهیزگار بود، طریحی تقریباً سال ۱۰۸۵ هجری وفات یافته و عمری طولانی داشته است. از مشایخ مجلسی بوده و مجلسی و بحرانی از او روایت کرده اند. شیخ طریحی در رماحیه وفات یافت. جنازه او را نجف آورده در پشت غری دفن کردند. طریحی و فرزندش شیخ صفی الدین و برادرزادگان و خویشانش همگی از دانشمندان و نیکوکاران عصر خود بوده اند (خوانساری، محمد باقر، ترجمه ی محمد باقر ساعدی خراسانی، روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۹۶).

۵- طریحی نجفی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، ذیل واژه ی «حدیث».

۶- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳.

در تعریف متن حدیث باید گفت: کلامی است که آخرین راوی نقل می کند و به تعبیر دیگر کلامی است که قوام معنی حدیث به آن می باشد^۱ خواه گفتار معصوم باشد یا حکایت کردار وی^۲.

۱-۱-۶ تعریف دانش های حدیثی و بخش های آن

علم الحدیث علمی است که با آن اقوال، افعال و تقاریر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام شناخته می شود. از تعریف مزبور، موضوع آن، که اقوال و احوال و افعال معصوم (علیه السلام) است دانسته شد. علم الحدیث را به دو بخش تقسیم نموده اند: اول علم روایه الحدیث که در آن از کیفیت اتصال حدیث به معصوم (علیه السلام) از لحاظ احوال روات و کیفیت سند و غیره گفتگو می شود و اصطلاحاً علم اصول الحدیث نامیده می شود.

این بخش به دو قسم تقسیم می گردد، زیرا گاهی از احوال رجال سند از لحاظ عدالت و وثاقت و عدم آن بحث می شود که به علم رجال مسمی است و هنگامی از کیفیت نقل حدیث توسط راویان از لحاظ تواتر و وحدت نقل، اتصال و انقطاع آن. و مراتب نقل از نظر صحت و ضعف و اصطلاحات مربوط به این خصوصیات گفتگو می شود که از آن به مصطلح الحدیث تعبیر شده است.

دوم، علم درایه الحدیث یا فقه الحدیث که از معانی و مفاهیم الفاظ وارد در احادیث بحث می نماید.^۳ فقه در لغت به معنای فهم دقیق و عمیق آمده است، ابن منظور می گوید: «علم به چیزی و فهم آن را فقه گویند، و غلبه دارد بر علم دین به خاطر سیادت و شرف و فضلش بر سایر انواع علم»^۴. خلیل بن احمد

۱- واما المتن فهو «الفاظ الحدیث التي تقوم بها المعانی» (سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳).

۲- مدیر شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص ۷.

۳- ر.ک: همو، علم الحدیث، ص ۸-۷.

۴- ابن منظور، محمّد بن مکرم، لسان العرب، ذیل واژه ی «فقه».

می گوید: «فَقَّةٌ يَفْقَهُ فَفِهَا إِذَا فَهَمَ وَأَفْقَهُتُهُ: بَيَّنَّتْ لَهُ وَالتَّفَقُّهُ: تَعَلَّمَ الْفِقْهَ»^۱. علم در دین را فقه گویند و هرگاه گفته شود: فلانی فقیه شد به معنای عالم شدن در دین است.

همچنین آمده است: فقه در لغت به معنای علم و فهم و درک و زیرکی نسبت به چیزی است. فقه بر وزن عِلْمَ به معنای فهم است و بر وزن مَنَعَ یعنی سبقت گرفتن از دیگران در فهم و بر وزن كَرَّمَ به این معناست که فقه بر شخصی سَجِيه و خصلتی شود. در عرف، فقه به معنای توقف در معنای پنهانی است که به حکم مربوط است.^۲

بنابراین فقه الحدیث، یعنی فهم دقیق، درک پایدار و شناخت عمیق از روایات و آن، دانشی است که از حالات مختلف متون احادیث بحث می کند و موضوعش متون احادیث و هدفش شرح واژه ها و مشکلات آنها و دسترسی به نتایج متون احادیث به منظور فهم صحیح و عمیق و ژرف آنهاست.

۱-۱-۷ ضرورت فقه الحدیث

اهمیت فقه الحدیث یا همان درایه الحدیث را از زبان امامان معصوم (علیهم السلام) می آوریم. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «ای مردم! از خدا پروا کنید و نا دانسته برای مردم فتوا ندهید که پیامبر خدا، سخن می گفت و مقصودی غیر از آنچه در آغاز فهمیده می شد، اراده می کرد و سخنانی گفت که هر که آن را در جای خود نهد، بر او دروغ بسته است»^۳.

همچنین امام صادق (علیه السلام) هم با این حدیث ارزشمند این چنین به اهمیت فهم حدیث پرداخته اند: «فهمیدن یک حدیث، بهتر از آن است که هزار حدیث نقل کنی و هیچ یک از شما بینای در دین

۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ذیل واژه ی «فقه».

۲- غفّاری، علی اکبر، تلخیص مقباس الهدایه، ص ۲۴۳.

۳- یا ایّها الناس اتقوا الله و لا تفتوا بما لا تعلمون، فانّ رسول الله (ص) قد قال قولاً آله منه الی غیره و قد قال قولاً من وضعه فی غیر موضعه کذب علیه (طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۹۵).